روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۱۸ آذر ۱۳۹۹ • ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۸ دسامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۸۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۱
اذان صبح فردا ۵:۳۳ • طلوع آفتاب ۷:۰۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

مردم در روستای چلو شهرستان اندیکای خوزستان در خانه‌های سنگ‌چین‌شده در دل ارتفاعات بدون برق و آب لوله‌کشی زندگی می‌کنند، عکس: میلاد حمادی، تسنیم **نور نوشت**

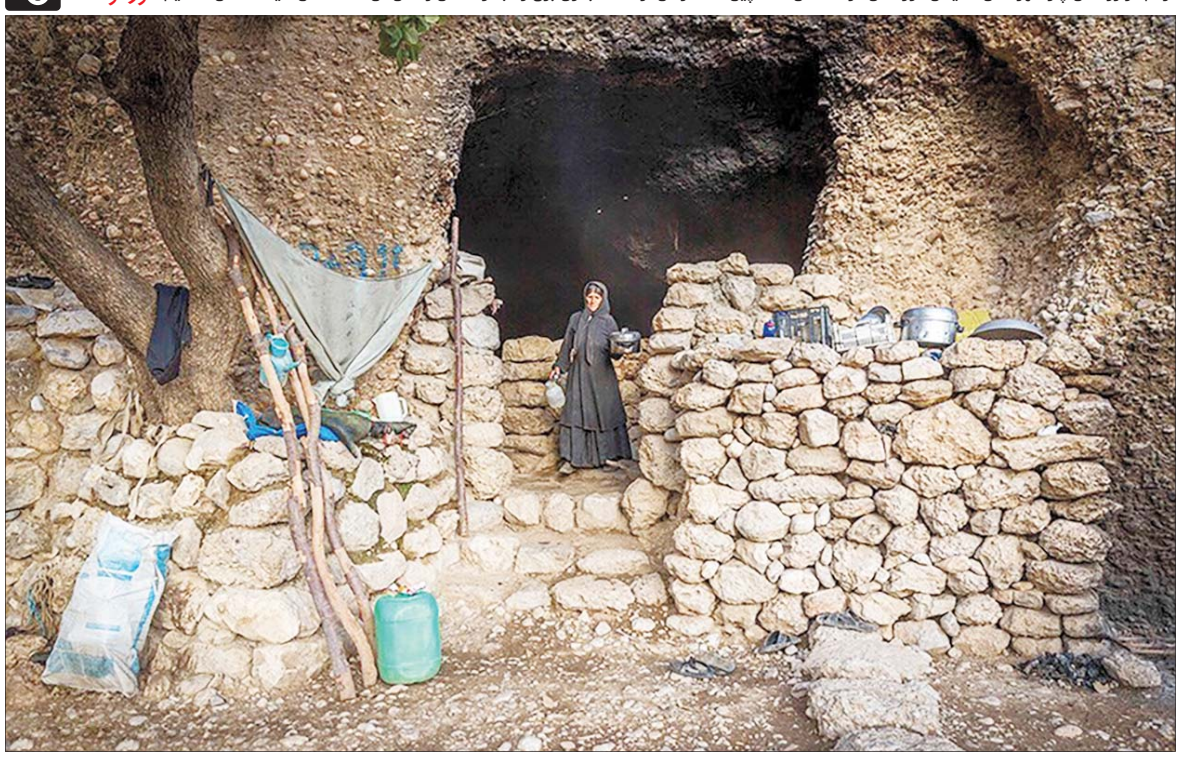

حقوق کودکی

«کودک سال» دستاویز دیگری برای بازار

فرشید یزدانی . مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان

در خبرها آمده بود که مجله تایم برای اولین بار «کودک سال» انتخاب کرده است. انتخابی که در قالب رویکردهای رقابتی بازارمحور و انسانیت‌زدا (مانند انتخاب دختر شایسته سال، زن شایسته سال و...) انجام می‌شود، این بار وارد عرصه کودکی شده است. امری که بر پایه نابرابری اجتماعی و اقتصادی استوار است و کل نهاد کودکی را به چالشی دیگر می‌کشد.

مطابق پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک به‌عنوان یکی از پذیرفته‌ترین پیمان‌نامه‌های جهانی، هرگونه تبعیض بین و علیه کودکان، همچنین سوءاستفاده از کودکان در جهت اهداف اقتصادی (که نوعی استثمار اقتصادی محسوب می‌شود) ممنوع است. جدای از این ممنوعیت، ایجاد این‌گونه رقابت‌ها بین کودکان خودش مبتنی بر نگاه استثمارگرانه و کالایی‌انگارانه به کودکان است. همان‌گونه که انتخاب دختر شایسته سال و زن شایسته سال، حاصل نگاه کالایی‌سازی به انسان و مروج تبعیض بین انسان‌ها و تفکیک آنان به شایسته و ناشایسته است و نوعی جامعه‌زدایی را با خودش همراه می‌آورد. این نگاه وقتی به حوزه کودکان وارد می‌شود، عمق اثرگذاری بیشتری پیدا می‌کند. وقتی کودکان چنین مورد طمع بازار قرار می‌گیرند و به ابزاری برای برندسازی تبدیل می‌شوند، مخاطره‌ای جدی در رعایت حقوق بشر اتفاق می‌افتد؛ مخاطره‌ای که حتی مبانی لیبرالی حقوق بشر نیز نافی آن است. بر این مبنا انسان‌ها حقوق برابری دارند که دولت‌ها مکلف به تلاش برای رعایت آن هستند؛ اگرچه در قالب نگاه بازارمحور حق مالکیت جزء حقوق اولیه در این عرصه به‌شمار می‌رود ولی مطابق همان حقوق که حقوق کودکان نیز در یک گفت‌وگوی اجتماعی گسترده و تاریخی از آن منتج شده است، یکی از وجوه قابل‌تعمق حقوق کودک که تبلور آن را می‌توان در مواد ۲، ۲۷ و ۳۲ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مشاهده کرد، موادی است که بر رفع تبعیض، توسعه جسمی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی کودکان و همچنین منع بهره‌برداری از آنان در جهت منافع اقتصادی تأکید می‌کنند.

ابعاد تأثیرگذاری منفی در این ارتباط بسیار است که در ادامه به برخی از این ابعاد اشاره می‌شود. این مسابقه یعنی ایجاد نوعی رقابت کاذب بین کودکان برای برترشدن از دیگران که البته به‌طور عمده کودکان برخوردار از امکانات را شامل می‌شود. این رقابت توسعه اخلاقی و اجتماعی کودکان درگیر را به مخاطره می‌اندازد. نوعی فردگرایی و همسو با آن جمع‌گریزی و جامعه‌گریزی را در آنان دامن می‌زد. این اقدام با خود به‌حاشیه‌بردن بخش زیادی از کودکان را به همراه می‌آورد. دنیای کودکی که دنیایی است بدون رقابت و مبتنی بر هم‌گرایی را به دنیایی رقابت‌آمیز و مبتنی بر واگرایی تبدیل می‌کند. تفکیک کودکان به شایسته و ناشایسته، در هر دو گروه کودکان اختلال اخلاقی و اجتماعی ایجاد می‌کند. کودکان شایسته، خود را برتر از دیگران می‌دانند و سعی در حفظ فاصله خود با دیگران می‌کنند و کودکان انتخاب‌نشده را دچار نوعی تحقیر منتج از شایسته‌نبودن کرده و خشم از فرد انتخاب‌شده بخشی از زندگی آنان می‌شود. به‌جای بسط گفت‌وگوی دوستانه، صادقانه و کودکانه، گفتمانی بر اساس آز، رقابت‌گرایانه و تخاصم را دامن می‌زند، که امری به‌وضوح ضد حقوق کودکی محسوب می‌شود. مسابقه برای کودک سال شدن، بازار مصرفی تازه برای صاحبان سرمایه در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌کند. از حوزه رسانه گرفته(مثل مجله تایم) تا حوزه‌های مرتبط با فعالیت‌های کودکی، بازاری که عده قلیلی و با منابع فراوان مخاطب آن هستند. ترویج گونه‌ای مصرف‌گرایی که اساسا بر نیازی غیرواقعی و ضداجتماعی شکل می‌گیرد.

مجموعه پیامدهای این اقدام که به برخی از آنها اشاره شد، مبین نادیده‌گرفتن ابعاد مختلف حقوق کودکان است. آموزه‌های کودکی که باید مقوم جامعه باشد و بتواند به جامعه‌پذیری بیشتر بینجامد و در ضمن هر کودکی فی‌نفسه بتواند از اعتمادبه‌نفس کافی برخوردار باشد، با این اقدام به مخاطره می‌افتد. چالشی متفاوت و البته ویرانگر در مقابل دنیای کودکی شکل خواهد گرفت که با توجه به قدرت بازار و پول نمی‌توان به این راحتی به مواجهه با آن رفت. از نهادهای بین‌المللی مرتبط با کودکان و به‌ویژه یونیسف انتظار می‌رود موضع‌گیری شفاف و جدی‌ای در این زمینه داشته باشند و در راستای دفاع از حقوق کودکان، اقدام مناسب و پیشگیرانه‌ای را انجام بدهند.

روزگار کرونایی

دنیا در انتظار واکسن

سه‌شنبه آینده نخستین تزریق‌های واکسن کرونا در انگلستان انجام می‌شود. این اولین تزریق عمومی واکسن در اروپاست. بعد از تست‌های موفق واکسن کرونا بسیاری از کشورها ابتدای ۲۰۲۱ را به عنوان زمان تزریق واکسن انتخاب کرده بودند و خبرهای متعددی از نوبت تزریق واکسن در کشورهای مختلف دنیا به گوش می‌رسد. حالا اما بوریس جانسون خبر داده که انگلستان اولین کشور جهان است که به واکسن فراورده مشترک شرکت آلمانی بیون‌تک و کنسرن آمریکایی فایزر پروانه پخش داده است. البته هنوز برخی مشکلات در تحویل و پخش واکسن باقی مانده است که باید در روزهای آینده برطرف شود، مثلا این مشکل که واکسن حساس کرونا باید در دمای زیر ۷۰ درجه نگهداری شود. انگلستان در اولین دور ۸۰۰ هزار واحد واکسن دریافت می‌کند که به ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد. ساکنان و کارکنان آسایشگاه‌ها، سالمندان بالای ۸۰ سال و همچنین کارکنان بخش درمانی، اولین واکسن‌ها را دریافت می‌کنند. دونالد ترامپ هم هفته گذشته اعلام کرده بود که اولین تزریق واکسن‌های کرونا در دسامبر ۲۰۲۰ برای کارگران، پرسنل پزشکی و افراد مسن صورت خواهد گرفت. ایالات متحده در نظر دارد پس از تأیید مقامات بهداشتی، برنامه واکسیناسیون کرونا را در سطح گسترده‌ای پیش از اواسط ماه دسامبر (آذر/دی) آغاز کند تا طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده ۲۰ میلیون نفر تا پایان سال جاری میلادی به ایمنی دست یابند. بر اساس آخرین آمار رسمی ورد میترز، ایالات متحده با ثبت بیش از ۱۳ میلیون ابتلا به کووید۱۹ و بیش از ۲۶۹ هزار مرگ‌ومیر ناشی از آن رتبه نخست را در جهان به خود اختصاص داده است. آلمان هم از دیگر کشورهای پیشگام توزیع واکسن در اروپاست که نخستین واکسن امیدوارکننده دنیا در آنجا ساخته شده است. آلمانی‌ها هم در این هفته به ایالت‌های گوناگون دستور داده‌اند تا کادر درمان‌شان را برای تزریق واکسن در هفته‌های پیش‌رو تکمیل کنند. ینس اشپان، وزیر بهداشت آلمان، نیز امیدوار است که در همین دسامبر اولین واکسن برای تولید و پخش در آلمان مجوز دریافت کند. او از مراکز درمانی خواسته است که از نیمه دسامبر تجهیزات خود را برای تزریق واکسن کرونا آماده کنند. او می‌گوید انتظار دارد که نخست افراد شاغل در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی هرچه زودتر واکسینه شوند. او تأکید دارد که دریافت واکسن کاملا اختیاری است، اما بهتر است کادر درمانی، که مسئولیت جان مردم را به عهده دارد، حتما واکسینه شده باشد.

واکسن کی به خاورمیانه می‌رسد؟

چند روز پیش همچنین برهم صالح رئیس‌جمهوری عراق در سخنرانی خود در نشست مجمع عمومی سازمان ملل با محوریت مقابله با کووید۱۹، بر اهمیت همبستگی بین‌المللی جهت رویارویی با این بیماری و کاهش تلفات آن و لزوم تضمین عدالت در توزیع واکسن، جلوگیری از خسارت‌های ناشی از اهداف تجاری تولید و ممانعت از تأثیرپذیری آن از اختلافات سیاسی تأکید کرد. برهم صالح عنوان کرد که عراق با وجود شرایط مالی و اقتصادی بسیار دشوار خود از جمله کشورهایی است که در آن واکسن کرونا به صورت رایگان میان شهروندان توزیع می‌شود. رئیس‌جمهوری عراق با هشدار نسبت به اینکه ادامه همه‌گیری کرونا در هر شهر و روستایی در جهان به این معناست که تمامی جوامع بشری در معرض تهدید این ویروس قرار دارند، بر اهمیت درنظرگرفتن تفاوت شدید در امکانات اقتصادی و مالی کشورها و اتخاذ تدابیر لازم برای تسریع در ارائه واکسن به بسیاری از کشورهای دارای توانایی محدود نیز تأکید کرد. همچنین صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) روز دوشنبه ۲۳ نوامبر /سوم آذر اعلام کرد که حدود دو میلیارد دوز از واکسن کووید۱۹ را در سال ۲۰۲۱ به کشورهای در حال توسعه از جمله یمن و افغانستان ارسال می‌کند.

هشدار سازمان جهانی بهداشت نسبت به توزیع نشدن به موقع واکسن کرونا

«تدروس آدهانوم» مدیر سازمان جهانی بهداشت در سخنانی در اجلاس مجازی همه‌گیری سازمان ملل با تأکید بر آنکه واکسن کرونا باید یک کالای عمومی باشد هشدار داد، همان‌طور که کشورهای ثروتمند در حال توزیع واکسن‌های کووید۱۹ هستند، خطر آنکه فقرا در این میان لگدمال شوند، وجود دارد. آدهانوم افزود: اجازه بدهید صریح بگویم، ما به راحتی نمی‌توانیم جهانی را بپذیریم که در آن فقیر و حاشیه‌نشین توسط ثروتمندان و قدرتمندان در لشکرکشی واکسن‌ها لگدمال شود.

صاف و ساده

سایه‌های نفرت

قادر باستانی
پژوهشگر ارتباطات و رسانه

شاید همه می‌دانند، ولی به روی خود نمی‌آورند که در زیر پوست ارتباطات فضای شبکه‌ای، جریان‌های تلخ و ناگواری در حال شکل‌گیری است و رصد این جریانات، حقایق قابل توجهی را نمایان می‌کند. چندی است، تأثیرات اجتماعی و سیاسی گروه‌های اینترنتی ایرانیان را مطالعه می‌کنم. این گروه‌های بی‌شمار، در غیاب اثرگذاری رسانه‌های بزرگ و مسئول، تفکرات تندروانه و خطرناکی را تقویت می‌کنند که آثار عملی آن به‌طور مسلم، رویدادهای چند سال آینده کشورمان را رقم خواهد زد. مردم به‌طورمتوسط، ۱۳۰ دقیقه در روز، با اینترنت موبایلشان مشغول‌اند. گسترش ارتباطات گروه‌های انسانی در اینترنت، لاجرم باید به رشد همبستگی اجتماعی و گفت‌وگو و مودت در جامعه منجر شود. در برخی جوامع چنین بوده، اما در جامعه ایران، به‌دلیل ضعف نظام رسانه‌ای و کاهش اعتماد عمومی، گروه‌هایی شکل گرفته‌اند که هم نقش مرجعیت خبری برای اعضای خود یافته‌اند و هم آنها را به تغییر رفتار و اقدامات آنارشیستی، ترغیب و تحریک می‌کنند. در این گروه‌های مجازی، دانسته و ندانسته، دارند بذر نفرت و خشونت می‌کارند و اگر به‌موقع علاجی برای واقعه نشود، با بروز تضادهای اجتماعی و سیاسی، توفان‌های سهمگینی روی خواهد داد. من برای مطالعه گروه‌های اینترنتی در تلگرام و سایر پلتفرم‌های شبکه‌ای، عضو تعدادی از این گروه‌ها شده‌ام و پیام‌های ردوبدل‌شده و اثرات بیرونی آنها را رصد می‌کنم. بخش عمده فضای شبکه‌ای، بی‌تفاوت‌ها و افراد غیرسیاسی هستند که از سیاست، به عنوان امری مذموم گریزان‌اند. گروه‌های اینترنتی غالبا حول دوستی‌ها، روابط خانوادگی، شغلی، تحصیلی و نظایر آن شکل گرفته‌اند. وارد هر گروهی که می‌شوید، یک دیدگاه غالب وجود دارد و پیام‌های افراد، در راستای آن نگرش، شکل می‌گیرد. در این گروه‌های فضای مجازی، می‌توانیم دو نگرش عمده مخالف وضع موجود و موافق آن را مشاهده کنیم. کفه سنگین گرایش‌ها، مخالفان وضع موجود، طیف وسیعی را شامل می‌شوند. موافقان در اقلیت، اصولگرایان و اصلاح‌طلبان سنتی هستند که از وضع موجود به توجیه سیاست‌ها و عملکردها می‌پردازند و کمتر وارد چالش‌ها می‌شوند.

بخش مهمی از گرایش سیاسی در گروه‌های اینترنتی، مربوط به مخالفان جمهوریت و طرفداران استقرار حکومت اسلامی و احیای ارزش‌های دینی و عقیدتی است. در این گروه‌ها که به نظر می‌رسد به شکل متمرکز و سازمان‌یافته، تغذیه فکری و خبری می‌شوند، مخالفت جدی با دولت و هر آنچه از طریق انتخابات صورت می‌گیرد، مخالفت با غرب‌گرایی و حمایت از تندروی‌های سیاسی دیده می‌شود.

در هر واقعه‌ای، آنها اخبار و تحلیل‌ها را براساس نگرش خود، تنظیم و ردوبدل می‌کنند. برای مثال، در حادثه ترور آقای فخری‌زاده، نوک حمله در این گروه‌ها، به جای اسرائیل، دولت و شخص حسن روحانی و جواد ظریف بود. آنها برای نیل به هدف خود، خبرسازی‌ها و تحلیل‌های تندوتیز را دریافت و توزیع می‌کنند. در یک پیامی، پدربزرگ آقای ظریف، درباری، پدرش، ساواکی و خودش حجتیه‌ای، معرفی شده بود! نویسنده اغلب این پیام‌ها مشخص نیست، اما از عنصر جذابیت و تأکید بر نقاط حساس مشترک، برخوردار است، بنابراین به‌سرعت در همه گروه‌های متبوع انتشار می‌یابد و اثرات آن در تجمعات، فشار بر مسئولان و محتوای تریبون‌ها و نظایر آن بروز می‌یابد.

بخشی از دیدگاه‌هایی که مخالفت سیاسی دارند، گروه‌های قومی و نظایر آن هستند. وجه مشترک پیام در این گروه‌ها این است که حقوق قومیت‌ها رعایت نمی‌شود. آبشخور تحلیلی و تولید محتوای این گروه‌ها، غالبا خارج از مرزهاست. بخش دیگر مخالفان، نوگرایانی هستند که درپی جدایی نهاد دین و دولت هستند و بیشتر در گروه‌های روشنفکری، دانشجویی و زنان قابل مشاهده است و پیام‌هایشان، معطوف به ناتوانی دولت در اداره جامعه ایران و ضرورت مراجعه به آرای عمومی و حذف واسطه‌هایی است که انتخاب مردم را محدود می‌کنند. گرایش دیگر، موافقان نظام سلطنتی هستند که غالبا در گروه‌های خانوادگی دیده می‌شود. آنها پیام‌های حسرت‌آمیز درباره وضع خوب گذشته و موفقیت‌های استبداد پهلوی در عرصه‌های مختلف و لزوم بازگشت به گذشته را رد و بدل می‌کنند.

بحث مهم این است که به‌دلیل نداشتن مرجعیت خبری و کژکارکردی رسانه ملی و ضعف رسانه‌های شناسنامه‌دار، این گروه‌ها مرجعیت تحلیلی برای اعضا یافته‌اند. به این سبب، شکاف‌های قطبی بزرگ در جامعه در حال پدیداری است؛ افرادی که هر روز بر آتش نفرت و کینه‌شان دمیده می‌شود. آنها هر روز و هر ساعت، در معرض بمباران اطلاعاتی هستند که غالبا یک‌سویه و هدفمند تولید شده و نسبت چندانی با واقعیت ندارند. ذهنیت اعضای گروه، هر روز تندتر و پیام‌ها به سمت اقدامات آنارشیستی و تخریبی پیش می‌رود. موضوعی که حائز اهمیت است، نهادهای مختلف، با تحرکات قومی و سیاسی مخالف برخورد دارند، اما در گروه‌هایی که تفکرات تندروانه به ظاهر ارزشی را ترویج می‌کنند، تولیدکنندگان محتوای بی‌اعتبار، مصون هستند و لابد کارشان بی‌هزینه است. هر روز ده‌ها خبر و تحلیل انحرافی، با اطلاعات تعمدا گمراه‌کننده و تحریک‌آمیز، علیه دولت و برخی مسئولان انتشار می‌یابد، اما اقدام مشخصی در برخورد با منابع پنهان تولید این پیام‌ها دیده نمی‌شود. چاره این پدیده و پیشگیری و مقابله با پیامدهای خطرناک سایه‌های نفرت، در درجه اول هزینه‌دارکردن تولید اخبار و اطلاعات نادرست، حساسیت دربرابر رشد گروه‌های تندرو، تقویت رسانه‌های شناسنامه‌دار و رفع محدودیت‌ها و معضلات آنها و سوق‌دادن مردم به اخبار و تحلیل‌های این رسانه‌ها و نیز اصلاح بخش خبری و سیاسی صداوسیماست؛ به نحوی که بتواند با فعالیت حرفه‌ای، پاسخ‌گوی انتظارات جامعه باشد و سیل سهمگین نفرت عمومی را مهار کند. خسارت اصلی از تعلل در برخورد، بیشتر نصیب کسانی خواهد شد که خیال می‌کنند رقیبانشان گرفتار آتش کینه خواهند شد، غافل از آنکه سیل بنیان‌کن که راه بیفتد، همه را با خود می‌برد.

زنان

همدیگر را دریابیم

از ۲۵ دسامبر تا ۱۶ روز پس از آن دنیا قرار است نارنجی شود. قرار است برای توجه به زنان و خشونتی که علیه آنها در مجامع و مکان‌های مختلف می‌شود، این روزها، روزهای منع خشونت علیه زنان نامیده و در این راستا تلاش شود. چند روز دیگر هنوز باقی مانده است. امسال برای زنان ایرانی شاغل در محیط‌های فرهنگی و زنان متعلق به طبقه متوسط سالی متفاوت بود. سالی که در آن توانستند از برخی آزارهای مطرح در فضاهای کاری خود بنویسند و فریاد بزنند. سالی که روزنامه‌نگاران علیه هنرمندان آزارگر افشاگری کردند، سالی که زنان از تفاوت‌ها و رنجی که به دلایل استفاده از کلام و رفتارهای خشونت‌آمیز برده بودند، نوشتند و گفتند. احمد بخارایی، جامعه‌شناس و مدیر گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی در انجمن جامعه‌شناسی ایران، این اتفاقات را مانند سدی می‌داند که انگار وقت شکستن آن رسیده است. او به خبرآنلاین گفته است: «در ایران ما با یک تضاد روبه‌رو شده‌ایم، یک‌سری نیروهای بسیار سنتی یک سوی طیف هستند و بخشی از روشنفکران و اعضای جامعه در سوی دیگر. این تضادها اگر به شکل «دیالکتیکی» حل شود، وضعیت خوب می‌شود و اتفاقا وجودشان خوب است؛ اما اینکه تضاد به دو سر یک طیف تبدیل شود که حاضر نیستند حرف هم را گوش بدهند، وضعیت را خراب می‌کند». تمام این اعتراض‌ها و واگویه‌کردن‌ها، یک جور همراهی و همدلی است. یک جور فریادی است به دیگر زنانی که این تجربه‌ها را از سر گذرانده‌اند. مانند زنانی که در جنبش می‌تو حضور داشتند : «پیامی به همه نجات‌یافتگان؛ صدایتان را می‌شنویم، حرفتان را می‌فهمیم»؛ اما سؤال این است آیا شباهتی بین بیان اعتراض‌ها در ایران با اعتراضاتی که در جهان و در سال ۲۰۱۷ آغاز شد وجود دارد. به گفته بخارایی «وجود الگوی غربی هم یکی از دلایل شروع این ماجرا در ایران است، در نظام جهانی عناصر خوب یک فرهنگ، به فرهنگی دیگر منتقل می‌شوند، وقتی یک سوی دنیا کسی ماجرای تجاوز خود را بیان می‌کند، این شجاعت به وجود می‌آید که این اتفاق در ایران هم رخ بدهد. اینکه چنین اتفاقی در اروپا یا غرب رخ می‌دهد، در فرد ایرانی احساس همدلی و همدردی به وجود می‌آورد. پس طبیعی است که این جنبش در بیان روایت‌های تجاوز و آزار در ایران تأثیرگذار باشد». اما این جنبش چه تأثیری دارد؟ مدیر گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی در انجمن جامعه‌شناسی ایران، معتقد است «در هر کشوری با توجه به ریشه‌های خشونت راهکارها هم متفاوت است. او راهکار این مسئله را در سطوح خرد، میانه و کلان تقسیم می‌کند؛ به گفته او در سطح خرد که به مسائلی مثل آموزش برمی‌گردد، در ایران فقط ۲۰ درصد ماجرا را حل می‌کند، ۲۰ درصد دیگر هم سهم سطح میانه است، جایی که به نحوه برخورد قانون با آزاردهنگان، نظام حقوقی، آموزش رسانه‌ها، نقش آموزش‌وپرورش و... مرتبط است». در تابستان امسال بود که این جنبش در شبکه‌های اجتماعی آغاز شد و با دستگیری یک نفر، خودکشی یک آزارگر و بی‌اعتباری چند نفر از استادان دانشگاه و چهره‌های علمی همراه بود. حالا هیجان‌ها کمتر است و این جامعه‌شناس در پیش‌بینی‌اش از ادامه این ماجرا در ایران می‌گوید: «نطفه این ماجراها باید در فضای مجازی منعقد می‌شد و به یک جنبش تبدیل می‌شد که تعریف، چارچوب، موضوع و... دارد، اما به‌خاطر «انسداد اجتماعی» در جامعه ما این اتفاق رخ نمی‌دهد. با گذشت زمان بخشی از هیجانات آرام می‌شود و یک سال دیگر هم اگر برای کسی اتفاقی رخ بدهد، شجاعت این را پیدا نمی‌کند که بگوید «می‌تو»، این متأسفانه سرنوشت ماجراست». به نظر نمی‌رسد این سرنوشت تلخ در پیش‌روی زنان باشد. زنان با دانش بیشتر و قوی‌تر گام برمی‌دارند و می‌خواهند با یاری یکدیگر آزارها را کمتر و راه را برای فراموش‌شدگان هموارتر کنند.

آکادمی

شهاب‌باران بی‌همتا

پرفروغ‌ترین بارش شهابی سال در پیش است

رضا ماه‌منظر
منجم و مروج علم

● شب‌های سرد و طولانی زمستان فرصت مناسبی برای رصد طولانی‌مدت آسمان و ثبت تصاویر بدیع نجومی است. اما هر سال در دو هفته پایانی فصل پاییز، یک آتش‌بازی بزرگ کیهانی آغاز می‌شود که آتش شوق مشاهده شده و ثبت تصاویر آن در قاب دوربین عکاسان، گرمی خاصی به این شب‌ها می‌بخشد. این نمایش بزرگ نجومی بارش شهابی «جوزایی» یا «دوپیکر» نام دارد و از دیرباز مورد توجه منجمین، عکاسان و حتی شاعران بوده است. هر ساله از حدود ششم دسامبر، مصادف با ۱۶ آذرماه می‌توانیم به مدت دو هفته، شب‌ها شاهد سوختن شهاب‌های ریز و درشت در پهنه آسمان باشیم. منشأ این بارش به حرکت سیاره زمین در فضا بازمی‌گردد. سیاره زمین حین گردش در مدارش به دور خورشید، از میان توده‌ای از گرد و غبار خواهد گذشت و برخی از این ذرات کوچک به نام شهاب‌واره را در دام گرانش خود می‌اندازد. این ذرات که اغلب هم‌اندازه دانه‌های ماسه هستند، با سرعت ۲۱۰ هزار کیلومتر بر ساعت وارد جو زمین می‌شوند و در این سقوطِ سریع، با مولکول‌های جو اصطکاک می‌یابند. این اصطکاک شدید سطح غبار را به حدی داغ می‌کند که براثر گرما شروع به سوختن کرده و به‌شدت می‌درخشد. سوختن این ذرات در ارتفاع ده‌ها کیلومتری از سطح زمین روی می‌دهد و بسته به جنس شهاب‌ها ممکن است به رنگ‌های سفید، زرد، آبی و حتی سبز دیده شوند. اما این شهاب‌واره‌ها برخلاف بارش‌های شهابی دیگر که بقایای به‌جامانده از کوه‌های یخی بزرگی به نام دنباله‌دار هستند، منشأ سیارکی دارد. منشأ این بارش، سیارک TB 1983 یا فایتون ۳۲۰۰ است که به نظر برخی اخترشناسان هسته‌سنگی به‌جامانده از یک دنباله‌دار است. به نظر برخی دیگر از اخترشناسان منشأ

این ذرات گردوغبار جایی در میان مریخ و مشتری است و یکی از اجرام سنگی سرگردان در کمربند سیارکی است. با این حال چگونگی تولید شهاب‌ها به دست سیارک‌ها تاکنون یکی از معماهای علم باقی مانده است. تا حدود ۴۰۰ سال قبل و تا پیش از اختراع تلسکوپ و مشاهده بهتر اجرام سماوی تصور خرافی در میان عموم مردم وجود داشت که ستارگان پس از پایان عمرشان سقوط می‌کنند و مثل یک شهاب می‌سوزند. زیبایی دیدن شهاب همراه با یک خرافه دیگر نیز بوده که هم‌اکنون نیز گاه در زمان دیده‌شدن یک شهاب بر سر زبان‌ها جاری می‌شود. اینکه در زمان دیده‌شدن یک شهاب آرزوی خود را بر زبان بیاورید... . البته امروزه به خوبی می‌دانیم که مشاهده شهاب‌ها هیچ ارتباطی با مرگ ستارگان دوردست یا آرزوهای دست‌نیافتنی ما ندارد. چیزی که از سطح زمین شاهد آن هستیم رد پرنور کمانی‌شکلی است که در حدود چند ثانیه خودنمایی می‌کند. همان‌طورکه در تصویر مشاهده می‌کنید این ذرات از دید ناظر زمینی، پیرامون صورت فلکی جوزا یا دوپیکر دیده می‌شوند و در نتیجه نام این صورت فلکی را بارش شهابی نهاده‌اند. در زمان اوج بارش که مصادف با ۲۳ آذر است، احتمال دیدن ۱۵۰ شهاب نیز محتمل خواهد بود؛ یعنی هر ۳۰ ثانیه یک شهاب در آسمان خواهد سوخت! این در حالی است که اکثر بارش‌های شهابی در زمان اوج خود نرخی معادل ۲۰ تا ۵۰ شهاب دارند. مشاهده این آتش‌بازی کیهانی زیبا در هر مکانی از نیم‌کره شمالی مقدور است و فقط کافی است در یک مکان تاریک و به‌دور از آلودگی نوری به کانون بارش در صورت فلکی دوپیکر توجه کنید و پیرامون آن از مشاهده شهاب‌ها لذت ببرید. البته احتمال دیده‌شدن تعداد کمتری شهاب در آسمان شهرهای بزرگی همچون تهران نیز دور از انتظار نخواهد بود. باوجوداین، ایدئال‌ترین مناطق، ارتفاعات تاریک کوهستانی یا مناطق کویری خالی از منابع نوری هستند. یکی از خوش‌اقبالی‌های امسال برای مشاهده این بارش شهابی، وضعیت ماه است. به‌طوری‌که شروع این بارش در شب بیستم ماه قمری ربیع‌الثانی است و عملا طلوع ماه بعد از ۱۲ شب خواهد بود. درخشش مهتاب نوعی منبع آلودگی نوری برای مشاهده شهاب‌ها و اجرام کم‌فروغ به شمار می‌رود. زمان اوج بارش‌ها در ۲۳ آذر، مصادف با شب ۲۷ ماه قمری است و تا ساعتی پیش از صبح می‌توان از آسمان تاریک برای مشاهده شهاب‌های کم‌نور و حتی رصد اجرام کم‌نور و عکاسی نجومی بهره برد. البته با توجه به شرایط فصلی و وضعیت آب‌وهوایی پیش‌بینی وضعیت هوا برای یک شب رصدی بسیار کلیدی است. بنابراین پیش از هر برنامه‌ریزی برای عکاسی یا رصد در این ایام حداقل از سه روز قبل پیش‌بینی‌های هواشناسی را بررسی کنید. بارش شهابی پرفروغ بعدی که بتوانیم شاهد تعداد قابل‌توجهی شهاب در آسمان باشیم، مربوط به بارش شهابی برساوشی در نیمه دوم مردادماه است.